

سرخوشی راوی

برداشت اشتباه مسوولان از جنگ روایت‌ها خسارت می‌آفریند.

به گزارش سایت خبری پرسون، عباس عبدی در یادداشتی نوشت: یک تصور بسیار نادرست در اغلب جناح حاکم در ایران رواج دارد که تحت عنوان «جنگ روایت‌ها» شناخته می‌شود.

به تعبیر دیگر هر واقعیتی را به امری روایتی تقلیل می‌دهند. گویی که اگر یک فرد گرسنه تصور کند به او بگویند که سیر است، گرسنگی او برطرف و سیر خواهد شد. یا اگر کسی تبلیغ کند که فلان کالا یا ایده یا... خوب است، آن موضوع نیز خوب خواهد شد یا حداقل دیگران آن را می‌پسندند. به همین علت آنان، ذهنیت منفی مردم به وضعیت کشور را بیش از آنکه ناشی از واقعیت عملکرد خود بدانند، محصول روایت‌های ساخته و پرداخته دشمنان و بدخواهان معرفی می‌کنند.

آنان به این پرسش پاسخ نمی‌دهند که اگر می‌توان روایت را جانشین واقعیت کرد، پس چرا شما قادر به انجام این کار نیستید؟ این تصور از قدرت روایت تا حدی قابل قبول است، ولی نه چندان که عمومی باشد یا بتواند واقعیت را مقلوبه کند. روایت‌ها در بسترهای مناسب ذهنی جا می‌افتند. مثلاً اگر کسی دزد و شهره به این جرم باشد، ممکن است در یک مورد بتوان او را عامل یک سرقت خاص که ربطی به او نداشته معرفی کرد. به علاوه هر روایتی که خلاف واقعیت باشد دیر یا زود معلوم می‌شود و مصداق چوپان دروغگو می‌شوند که حتی اگر صد درصد واقعیت را هم روایت کنند، مخاطب آن را نمی‌پذیرد.

یکی از انتقادات طرفداران جنگ روایت‌ها این است که چرا هر گاه که واقعیت را هم گفته‌ایم، باز هم کسی باور نمی‌کند؟ متوجه نیستند که پیش‌تر روایت‌های غیرواقعی را گفته‌اند و اکنون برحسب قرینه کسی نمی‌پذیرد که شما واقعیت را روایت می‌کنید. بگذریم.

آقای ریسی در روزهای اخیر تاکید عجیبی بر بهبود شرایط کشور دارد و معتقد است که همه آمارها نشان می‌دهند رشد در کشور است و آینده را روشن می‌بیند و از نظر ایشان آمارهای همه نهادهای ذی‌ربط از رشد اقتصادی، رشد تولید، رشد سرمایه‌گذاری و رشد اشتغال حکایت دارد. مثل آن است که کسی در تب می‌سوزد ولی دماسنج دمای بدن او ۳۷ درجه نشان می‌دهد. خب طبیعی است که یا دماسنج درست کار نمی‌کند یا چشم بیننده مشکلی دارد که رقم را به جای ۳۹ و ۴۰، روی ۳۷ می‌بیند. آمارهای آقای ریسی از این نوع است.

می‌فرمایند که یک میلیون شغل ایجاد شده با کد ملی و کد بیمه و آدرس و... خیلی صریح باید گفت که بدون تردید خالص مشاغل ایجاد شده مطابق گزارش‌های رسمی طی یک سال از تابستان ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ بسیار کمتر از این رقم است. شاید نزدیک به یک‌سوم باشد. آن هم ربطی به سرمایه‌گذاری دولت جدید ندارد، بیشتر محصول پایان یافتن کرونا است که بیش از ۵۵۰ هزار شغل از میان رفته دوباره به جایگاه قبلی بازگشت و در بخش کشاورزی وضعیت سرجمع تعداد شاغلین کمتر نیز شده است.

(ر.ک. گزارش فصلی اقتصاد ایران ۱۴۰۱) و احتمالاً در ادامه نیز این روند کندتر خواهد شد. پس این اولین آمار مهم ایشان که به کلی نادرست است. آمار بعدی که اصلاً به آن اشاره نمی‌کنند، نرخ تورم است. این نرخ دقیقاً محصول رشد نقدینگی است.

ایشان از همان ابتدا که آمدند مدعی بودند که از بانک مرکزی استقراض خواهند کرد تا مبادا نقدینگی زیاد شود. این را می‌توان یک ادعای نادرست نامید. فرض کنید که کسی بگوید من از حسن قرض نمی‌کنم و از حسین قرض می‌کنم. چون حسین هم پولی برای قرض دادن ندارد، لذا به حسن می‌گویند به او قرض دهد سپس از حسین قرض می‌کنند. دقیقاً به همین سادگی.

بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی سرسام‌آور است، ولی این بدهی ناشی از اقدامات دولت است. حالا فرض کنیم که حتی یک ریال هم از بانک مرکزی قرض نکنند، چه اهمیتی دارد، به ویژه هنگامی که تورم نقطه به نقطه به بالای ۵۰ درصد رسیده است. این وضعیت بدتری است که شما قرض نکنید ولی تورم رکورد بزند.

بنابراین تاکید بر تبلیغ و روایت توخالی و امید دادن به اینکه آینده درخشان است، مطلقاً مورد توجه کسی قرار نمی‌گیرد. اگر واقعا آینده درخشان است باید گفت که چرا و براساس چه منطقی چنین می‌بینند؟ دلایل آن را بگویید تا دیگران هم قانع شوند. و الا این ادعای بلادلیل و غیرموجه است و برای دل خوش کردن خود و مردم است.

خیلی روشن باید گفت حرکت با این دست فرمان چشم‌انداز روشنی ندارد. سال ۱۴۰۲ را جدی بگیرید. تکرار سناریوی تثبیت قیمت‌ها در کنار رشد نجومی نقدینگی و ادامه سیاست خارجی و داخلی کنونی، راهگشا نیست که به سراسیمگی ختم می‌شود. دوران روایت گذشته است. روایت بیش از اینکه دیگران را قانع کند، موجب سرخوشی راوی می‌شود.

